

بررسی بازخورد دختران تیزهوش نسبت به معلم در پایه‌های مختلف تحصیلی

بهشته نبوشا، ناصرالدین کاظمی حقیقی، اختر فریدی

چکیده

در این مقاله بازخورد دختران نوجوان تیزهوش نسبت به معلم در پایه‌های مختلف تحصیلی بررسی می‌شود. ۴۲۳ دختر نوجوان تیزهوش در پایه‌های دوم راهنمایی تا چهارم نظری به یک پرسشنامه باز درباره ویژگی‌های مطلوب یک معلم پاسخ دادند. آزمون مجذور خی (X²) برای تحلیل آماری بکار رفته و تفاوت‌هایی را در پایه‌ها و مقاطع تحصیلی در سطح ۹۹/۹٪ نشان می‌دهد. یافته‌ها وجود یک فهرست ۵ بعدی (رفتاری، شخصیتی، شناختی، نگرشی و انگیزشی) را در مورد خصایص معلم ویژه تأیید نمود. دختران تیزهوش در مقطع راهنمایی به ابعاد رفتاری، شخصیتی و نگرشی و در مقطع دبیرستان به ابعاد شناختی و انگیزشی توجه می‌نمودند و با افزایش پایه تحصیلی، توجه به بعد رفتاری کاهش یافته اهمیت ابعاد شناختی و انگیزشی افزایش می‌یافت. بازخورد دختران تیزهوش ایران با سایر کشورها، نسبت به معلم، تفاوتی ندارد. پیشنهاداتی برای امر تشخیص تیزهوش و گزینش معلم در پایه‌های مختلف ارائه می‌گردد.

پیشینه مطالعاتی

توجه به ویژگی‌های مطلوب معلم بخشی از مقوله وسیع بازخورد تحصیلی تیزهوش است. این بازخورد به معنای نگرش، احساس و رفتار متناسب، شامل عناصر مختلف و متعددی نظیر برنامه تحصیلی، محتویات درسی، امکانات و تسهیلات آموزشی، سیاستها و استراتژی‌های اساسی، اسناد تحصیلی، کانون نظارت تحصیلی و خصایص معلمان مطلوب می‌گردد. نیاز به معلم ورزیده براساس یک مطالعه در مورد دیدگاه سیاستگذاران، مجریان و مسئولین تعلیم و تربیت تیزهوش، به ۴۷٪ می‌رسد و پس از آن اهمیت متخصصان دیگر (نظیر مشاور، روانشناس، برنامه ریز) با ۳۷٪ و سپس مدیران تعلیم و تربیت با ۱۶٪ مبرهن شده است.

براساس یک مطالعه دیگر، نیاز به معلم مطلوب و ویژه در میان دختران تیزهوش بیش از پسران احساس می‌شود. یعنی پرورش ویژه تیزهوشان در میان دختران براساس نقش تعیین کننده و شگرف معلم تحقق می‌یابد و بی تردید این خلأ موجب شکست هرگونه استراتژی و سیاستگذاری تربیتی ویژه خواهد شد.

حتی براساس مطالعات دیگر نشان داده شده است که موفقیت هر برنامه ویژه ارتباط مستقیم با قابلیت‌ها و تجارب معلمان آن برنامه دارد.

یافته‌های فوق نشان می‌دهد که نظام پرورشی استعداد‌های درخشان به ویژه در مقاطع تحصیلی اولیه و نیز در میان دختران تیزهوش مبتنی بر وجود معلمان مطلوب و ویژه می‌باشد.

پیش از این، نقش پایه تحصیلی، دوران تحول روانی، فرهنگ، جنسیت و گرایش تحصیلی در بازخورد تحصیلی بررسی شده است و نتایج قابل توجهی بدست آمده است.

از سوی دیگر ویژگی‌های مطلوب معلم تیزهوشان در یک فهرست ۵ بعدی (رفتاری^۱، شخصیتی^۲، شناختی^۳، نگرشی^۴ و

انگیزشی^۶ معلمان موفق بدست آمده است. این فهرست شامل عناصر زیر است:

الف - ویژگیهای رفتاری

- ۱- مدیریت و رهبری کلاس
- ۲- کوشش و پشتکار در جهت کسب موفقیت
- ۳- مهارتهای مربوط به روش تدریس مناسب
- ۴- قابلیت مشاوره و راهنمایی
- ۵- فضای مطلوب برای ابراز عقاید با توجه به استعدادها و تفاوتهای فردی

ب - ویژگیهای شناختی

- ۱- هوش فوق العاده
- ۲- اطلاعات جامع در مورد افراد تیزهوش
- ۳- آشنایی با برنامه ها و اسلوبهای جدید تعلیم و تربیت ویژه تیزهوش
- ۴- وسعت اطلاعات عمومی، اختصاصی، تحصیلات و سواد کافی

ج - ویژگیهای شخصیتی

- ۱- جذابیت شخصی (وقار، احترام متقابل، جدیت، قاطعیت و...)
- ۲- نزاکت و ادب
- ۳- آراستگی ظاهر
- ۴- خوش مشربی و خوش برخوردی
- ۵- شوخ طبعی
- ۶- شخصیت پویا و انعطاف پذیر (شرح صدر)
- ۷- تمایز مسائل شخصی و شغلی

د - ویژگیهای نگرشی

- ۱- فردی با عقاید پویا، وسعت اندیشه و تفکر (بدون تعصب بیجا و غرض ورزی)
- ۲- اعتقاد به اصل تفاوتهای فردی
- ۳- نگرش منطقی
- ۴- اعتقاد مثبت نسبت به پدیده تیزهوشی
- ۵- جهان بینی حتی الامکان مشترک با تیزهوش

هـ - ویژگیهای انگیزشی

- علایق و انگیزه‌های عمیق و گرم معنوی، ارزشی، فرهنگی

تاکنون مطالعه‌ای مستقل درباره نقش پایه تحصیلی در خصایص معلم مطلوب از دیدگاه دختران تیزهوش به عمل نیامده است. لذا مطالعه کنونی به عنوان تحقیق در رابطه میان پایه تحصیلی و اهمیت به خصایص مطلوب (براساس فهرست ۵ بعدی) از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

تحقیق کنونی، این مسئله را مورد مطالعه قرار می دهد که: آیا در پایه‌های تحصیلی، توجه دختران تیزهوش به ابعاد پنجگانه خصایص معلم مطلوب، تفاوت دارد؟

روش مطالعه

این مطالعه بر روی ۴۲۳ دانش آموز دختر تیزهوش در پایه‌های دوم راهنمایی تا چهارم نظری (به ترتیب پایه: ۷۰ نفر، ۸۵ نفر،

۹۱ نفر، ۷۵ نفر، ۵۲ نفر و ۵۰ نفر) انجام یافت. دانش‌آموزان مزبور در یکی از مراکز سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان مشغول به تحصیل می‌باشند.

متغیرهای پایه تحصیلی و خصایص معلم مطلوب به ترتیب به عنوان متغیرهای مستقل و وابسته مورد مطالعه قرار گرفتند و متغیرهای هوش و جنسیت نیز متغیرهای کنترل بودند.

روش جمع‌آوری اطلاعات براساس پرسشنامه‌هایی با سؤالات باز تشریحی بود که می‌بایست هر یک از دانش‌آموزان ۵ خصوصیت معلم مطلوب را از دیدگاه خویش بنویسند. این خصوصیات براساس فهرست ۵ بعدی طبقه‌بندی می‌شدند.

روش آماری

به علت طبقه‌بندی بودن متغیرها، از روش تحلیل آماری مجذور خی (X²) استفاده شد. این روش آماری برای مقایسه فهرست ۵ بعدی در پایه‌های مختلف تحصیلی، مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان و نیز مقایسه بازخورد تیزهوشان ایران و جهان بکار رفت.

نتایج

مقایسه بازخورد دختران تیزهوش ایران با تیزهوشان سایر کشورها نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری در دو دیدگاه وجود ندارد. (جدول الف)

جدول الف - بازخورد تیزهوشان ایران و سایر کشورها نسبت به معلم مطلوب

انگیزشی	نگرشی	شناختی	شخصیتی	رفتاری	
۷	۱۲	۱۹	۱۹	۴۳	تیزهوشان ایران
۴	۸	۲۲	۱۴	۵۲	تیزهوشان سایر کشورها

در میان دختران تیزهوش ایران، ویژگی‌های رفتاری (۴۳٪)، شخصیتی (۱۹٪)، شناختی (۱۹٪)، نگرشی (۱۳٪) و انگیزشی (۱۷٪) رتبه‌های اول تا پنجم را دارند.

بازخورد تیزهوشان سایر کشورها نشان می‌دهد که همین رتبه‌بندی با اندکی جابجایی وجود دارد. یعنی ویژگی‌های رفتاری (۵۲٪)، شناختی (۲۲٪)، شخصیتی (۱۴٪)، نگرشی (۸٪) و انگیزشی (۴٪) اولویت‌های اول تا پنجم را تشکیل می‌دهند.

بررسی بازخورد دختران تیزهوش نسبت به معلم مطلوب نشان می‌دهد که در مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان در سطح $\alpha = 0/999$ تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

($\phi^2 = 0/07$ و $X^2 = 40/052$) یعنی میان بازخورد مزبور و مقاطع تحصیلی ارتباط مثبتی مشهود است. جدول (ب) نتایج درصدی

این تفاوت را نشان می‌دهد:

جدول ب - بازخورد تیزهوشان دختر نسبت به معلم مطلوب در مقاطع راهنمایی و دبیرستان

انگیزشی	نگرشی	شناختی	شخصیتی	رفتاری	
۶	۱۴	۲۰	۱۳	۴۶	راهنمایی
۸	۱۱	۱۸	۲۲	۴۱	دبیرستان

۱- دانش‌آموزان مقطع راهنمایی تحصیلی بیش از مقطع دبیرستان به ویژگی‌های رفتاری، شخصیتی و نگرشی اهمیت می‌دهند (به ترتیب ۴۶٪ در برابر ۴۱٪، ۲۰٪ در برابر ۱۸٪ و ۱۴٪ در برابر ۱۱٪).

۲- دانش‌آموزان دبیرستان بیش از راهنمایی به ویژگی‌های شناختی و انگیزشی معلم اهمیت می‌دهند. (به ترتیب ۲۲٪ در برابر ۱۳٪ و ۸٪ در برابر ۶٪).

بررسی بازخورد دختران تیزهوش در پایه‌های مختلف تحصیلی نشان داد که تفاوت معنی‌داری (در سطح ۰/۹۹/۹) میان بازخوردها بر حسب پایه‌های مختلف وجود دارد. ($X^2=101/252$ و $\Phi=0/11$) یعنی میان بازخورد دختران تیزهوش نسبت به معلم مطلوب و پایه تحصیلی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ج - نتایج مربوط به بازخورد دختران تیزهوش نسبت به معلم مطلوب در پایه‌های تحصیلی مختلف

انحراف معیار	انگیزشی	نگرشی	شناختی	شخصیتی	رفتاری	
۱۶/۰۴	۶	۱۰	۲۳	۱۱	۵۰	دوم راهنمایی
۱۲/۷۸	۶	۱۸	۱۸	۱۴	۴۴	سوم راهنمایی
۱۱/۹۷	۵	۱۱	۲۳	۲۱	۴۰	اول دبیرستان
۱۲/۴۶	۸	۸	۲۰	۲۲	۴۲	دوم دبیرستان
۱۵/۳۴	۷	۱۴	۷	۲۴	۴۸	سوم دبیرستان
۸/۱۰	۱۲	۱۲	۲۰	۲۲	۳۴	چهارم دبیرستان
	۷	۱۲	۱۹	۱۹	۴۳	میانگین
	۲/۲۹	۳/۴	۵/۴۴	۵	۵/۲۱	انحراف معیار

در جدول (ج) نتایج درصدی تفاوت‌های مزبور ارائه گردیده است.

همانگونه که جدول (ج) نشان می‌دهد یافته‌های زیر را می‌توان در تفاوت‌های مربوط به بازخورد دختران تیزهوش نسبت به معلم مطلوب در پایه‌های مختلف مشاهده نمود:

- ۱- کلیه پایه‌ها، حیطه رفتاری را در اولویت قرار داده‌اند.
- ۲- پایه دوم راهنمایی و سوم نظری بیش از سایر پایه‌ها به قلمرو رفتاری معلم مطلوب توجه دارند. (۵۰٪ و ۴۸٪) و پایه چهارم نظری کمتر از سایر پایه‌ها به این حیطه توجه دارد.
- ۳- بیشترین توافق در پایه‌های تحصیلی مربوط به حیطه انگیزشی ($S.D = 2/29$) و بیشترین اختلاف نظر مربوط به حیطه شخصیتی ($S.D = 5/44$) می‌باشد. و حیطه‌های نگرشی ($S.D = 3/40$)، رفتاری ($S.D = 5/21$) و شناختی در میان آنها قرار می‌گیرند.

۴- توجه به حیطه شناختی با افزایش پایه تحصیلی، تقریباً افزایش می‌یابد. (به ترتیب ۱۱٪، ۱۴٪، ۲۱٪، ۲۲٪، ۲۴٪، ۲۲٪).

۵- توجه به حیطه شخصیتی در پایه‌های دوم راهنمایی و اول نظری بیش از سایر پایه‌ها است و این توجه در پایه سوم نظری به کمترین حد می‌رسد.

۶- اهمیت بعد نگرشی در پایه سوم راهنمایی بیش از همه و دوم نظری کمتر از همه می‌باشد. (۱۸٪ و ۸٪)

۷- با افزایش پایه تحصیلی تقریباً اهمیت بعد انگیزشی نیز افزایش می‌یابد. (به ترتیب ۶٪، ۶٪، ۵٪، ۸٪، ۷٪، ۱۲٪)

بررسی پایه‌های تحصیلی نشان می‌دهد که:

۱- پایه دوم راهنمایی پس از حیطه رفتاری به ترتیب به ابعاد شخصیتی، شناختی، نگرشی و انگیزشی اهمیت می‌دهد. (۲۳٪، ۱۱٪، ۱۰٪، ۶٪)

۲- پایه سوم راهنمایی پس از حیطه رفتاری به ترتیب به ابعاد شخصیتی، نگرشی، شناختی و انگیزشی اهمیت می‌دهد. (۱۸٪، ۱۸٪، ۱۴٪، ۵٪).

۳- پایه اول نظری پس از حیطه رفتاری به ترتیب به ابعاد شخصیتی، شناختی، نگرشی و انگیزشی اهمیت می‌دهد. (۲۳٪، ۲۱٪، ۱۱٪، ۵٪).

۴- پایه دوم نظری پس از حیطه رفتاری به ترتیب به ابعاد شناختی، شخصیتی، نگرشی و انگیزشی اهمیت می‌دهد. (۲۲٪، ۲۰٪، ۸٪، ۸٪).

۵- پایه سوم نظری پس از حیطه رفتاری به ترتیب به ابعاد شناختی، نگرشی، شخصیتی و انگیزشی اهمیت می‌دهد. (۲۴٪، ۲۴٪، ۲۴٪، ۲۴٪).

۱۴٪، ۷٪، ۷٪.

۶- پایه چهارم نظری پس از حیطه رفتاری به ترتیب به ابعاد شناختی، شخصیتی، نگرشی و انگیزشی اهمیت می‌دهد. (۲۲٪،

۲۰٪، ۱۲٪، ۱۲٪).

۷- بیشترین پراکندگی و تنوع ارزشی در پایه دوم راهنمایی ($S.D = ۱۶/۰۴$) و بیشترین توافق ارزش گذاری به ابعاد پنجگانه در میان چهارم نظری ($S.D = ۸/۱۰$) دیده می‌شود و پایه‌های سوم نظری ($S.D = ۱۵/۳۲$)، سوم راهنمایی ($S.D = ۱۲/۷۸$)، دوم نظری ($S.D = ۱۲/۴۶$) و اول نظری ($S.D = ۱۱/۹۷$) در میان آنها قرار می‌گیرند. بدین معنا که ارزش گذاری به ابعاد پنجگانه در پایه دوم راهنمایی قطبی تر از سایر پایه‌ها است حیطه رفتاری با ۵۰٪ در مقابل حیطه انگیزشی با ۶٪ قرار می‌گیرد. اما در پایه چهارم نظری قطبیت کمتری دیده می‌شود. یعنی ابعاد پنجگانه اوزان متعادل تری می‌یابند. نظیر قطبیت مزبور در پایه سوم نظری نیز مشهود است یعنی حیطه رفتاری با ۴۸٪ در برابر حیطه های شخصیتی و انگیزشی با ۷٪ قرار می‌گیرد.

۸- پایه دوم نظری از سایر پایه ها به اوزان استاندارد ($S.D = ۱۲/۳۶$) نزدیکتر است. یعنی ارزش گذاری استاندارد را می‌توان از ترجیحات تیزهوشان دوم نظری استنباط نمود. به ویژه این ارزش گذاری با استاندارد جهانی نیز تطابق بیشتری دارد یعنی از دیدگاه دانش آموزان تیزهوش دختر در پایه دوم نظری، حیطه‌های رفتاری، شناختی، شخصیتی، نگرشی و انگیزشی به ترتیب در اولویت قرار دارند و این همان چیزی است که در نقطه نظر تیزهوشان سایر کشورها نیز دیده می‌شود.

تفسیر

تجانس بازخورد دختران تیزهوش ایران با سایر کشورها نشان می‌دهد که ویژگیهای جهانی تیزهوش، حداقل از لحاظ ارزشی و نگرشی و انگیزشی درباره تیزهوشان ایرانی صادق است. این امر دلالت بر گزینش معتبر تیزهوشان کشور ما دارد که توسط «سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان» انجام می‌گیرد.

اولویت حیطه رفتاری با ۴۳٪ دلالت بر اهمیت این حیطه از دیدگاه تیزهوش دارد. این حیطه اهمیت عناصر مدیریت و رهبری کلاس، پشتکار و جدیت برای موفقیت مهارتهای تدریس، توانایی مشاوره و راهنمایی و بالاخره ایجاد فضای مطلوب کلاسی برای ابراز عقاید را مبرهن می‌سازد. هرگاه این حیطه را با ابعاد شناختی و شخصیتی جمع نماییم (۸۱٪) تا حدود زیادی تعیین کننده موفقیت معلم خواهد بود.

تفاوت بازخورد دختران تیزهوش در دو مقطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان که تقریباً معادل دو مرحله سازماندهی و عملیات ترکیبی (تعادل) دوره سوم تحول شناختی است با ویژگیهای مراحل مزبور تجانس نشان می‌دهد. توجه به جنبه‌های عینی و فاعلی یعنی ویژگیهای رفتاری، شخصیتی و نگرشی در مقطع راهنمایی (با ۸۰٪) علاوه بر اینکه با نیازها و دیدگاهها و توانمندیهای ذهنی دختران تیزهوش در مرحله اول دوره سوم تحول شناختی تطابق دارد، تعیین کننده موفقیت معلمان نیز می‌باشد.

در مقطع دبیرستان (مرحله دوم دوره سوم تحول شناختی) با ۷۱٪، حیطه های شناختی و انگیزشی برتری نشان می‌دهند. یعنی در دبیرستان مهارتهای شناختی و علایق گرم و وسیع معنوی، جایگزین ویژگیهای نگرشی و شخصیتی می‌شود. در حالیکه تیزهوشان دختر راهنمایی به شخصیت و رفتار خاص معلم توجه ویژه ای نشان می‌دهند.

توافق کلی تمامی پایه‌ها در مورد جنبه انگیزشی معلم، گویای انتظارات کم و بیش یکسانی است که از حیطه عاطفی و انگیزشی معلم می‌رود، گرچه به طور محسوسی این انتظار انگیزشی با افزایش پایه ازدیاد می‌یابد.

تفاوت دو پایه سوم راهنمایی و دوم نظری از لحاظ بعد نگرشی به حساسیت دختران تیزهوش راهنمایی بویژه پایه سوم نسبت به اعمال تبعیض و عدم تعادل است که در رفتار معلم بروز می‌یابد. به نظر می‌رسد که این حساسیت در پایه دوم نظری کاهش می‌یابد.

بعد شناختی معلم شامل اطلاعات وسیع، هوش فوق‌العاده و تیزهوش شناسی، تخصص کافی در طی مراحل تحول تیزهوش

اهمیت افزونتری می‌یابد به طوری که در پایه‌های دوم نظری تا چهارم نظری، اولویت دوم را تشکیل می‌دهد. بویژه آنکه وسعت اطلاعات عمومی و تخصصی معلم با خصایص تیزهوش نیز هماهنگی دارد. این اهمیت روبه تزايد گویای نیازهای شناختی و کنجکاوی ویژه تیزهوشان است که با گذشت سن افزایش می‌یابد.

به نظر می‌رسد که از دیدگاه دانش آموزان پایه دوم راهنمایی و سوم نظری توانایی روش تدریس معلم اهمیتی خاص دارد. از آنجایی که ویژگیهای شخصیتی یک انسان کمتر از سایر ابعادش قابل تغییر است لذا به نظر می‌رسد که یک فرد نتواند در کلیه پایه‌های تحصیلی به عنوان یک معلم، موفقیت داشته باشد. زیرا یکی از نقاط اساسی تفاوت بازخوردهای دختران تیزهوش نسبت به معلم در پایه‌های مختلف اختلاف نظر نسبت به بعد شخصیتی معلم است که بیش از سایر ابعاد، پراکندگی (پراش) نشان می‌دهد.

پیشنهادها

بررسی یافته‌ها و نیز نتایج تفسیر گویای توصیه‌های زیر است:

- ۱- روش تشخیصی کنونی، با تقویت بیشتر برای گزینش مراکز آموزشی سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان ادامه یابد.
- ۲- در گزینش معلمان به ابعاد پنجگانه فهرست، توجه خاصی مبذول گردد.
- ۳- در امر آموزش، از روش تدریس ویژه تیزهوشان استفاده شود.
- ۴- حتی الامکان از تدریس یک معلم در پایه‌های مختلف تحصیلی اجتناب گردد.
- ۵- تعلیم در پایه‌های اول تا چهارم نظری نیاز به فردی با ابعاد تقریباً جامع دارد.
- ۶- معلمان که در مهارتهای رفتاری بویژه در روش تدریس برجستگی خاصی دارند ترجیحاً در پایه‌های دوم راهنمایی و سوم نظری اشتغال یابند.
- ۷- در هر پایه تحصیلی، از معلمی با ویژگیهای خاص آن پایه استفاده شود.
- ۸- معلمان مقطع دبیرستان باید دارای بعد شناختی نیرومندی باشند.
- ۹- همچنین معلمان مقطع دبیرستان بایستی از برجستگی فرهنگی، معنوی و ارزشی خاصی برخوردار باشند.
- ۱۰- پایه‌های دوم راهنمایی و اول نظری دارای وضعیتی بحرانی هستند که مقتضی معلمان نیرومند همراه با تواناییهای شخصیتی ویژه می‌باشند.

یادداشتها

- | | |
|-----------------|-----------------|
| ۱- Behavioural | ۲- Personality |
| ۳- Cognitiveal | ۴- Conceptional |
| ۵- Motivational | |

منابع

- جیمز گالاگر، مهدی زاده و رضوانی. (۱۳۶۷)، آموزش کودکان تیزهوش، آستان قدس رضوی.
- ناصرالدین کاظمی حقیقی. (۱۳۶۹)، بررسی تجربی بازخورد تحصیلی نوجوانان تیزهوش، رساله کارشناسی ارشد.
- ژان پیازه، محمود منصور، پریرخ دادستان. (۱۳۶۹)، تربیت ره به کجا می‌سپرد؟، انتشارات دانشگاه تهران.
- محمود منصور، پریرخ دادستان. (۱۳۶۷)، دیدگاه پیازه، ژرف.
- دفتر مشاوره و راهنمایی سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان. (۱۳۶۸)، روانشناسی تیزهوش.
- دفتر مشاوره و راهنمایی سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان. (۱۳۶۹)، عوامل موفقیت معلمان.